

## توازن راهبردی جدید؛ پس از جنگ عراق

تعیین‌کننده بسیاری از معادلات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی خواهد بود؛ افکار عمومی جهانیان و به‌خصوص منطقه خاورمیانه، ساختار دفاعی کشورهای خاورمیانه، فرایند صلح اعراب - اسرائیل، سازش و ستیز بین نیروهای طرفدار غرب و بنیادگرایان و بالاخره ساخت سیاسی رژیم‌های حاکم بر منطقه، از این جنگ متأثر شده‌اند یا خواهند شد. کتاب توازن راهبردی جدید

Feldman, Shai, *After The War in Iraq: Defining the New Strategic Balance*, Brighton and Portland: Sussex Academic Press, by Jafee Center for Strategic Studies, 2003, 208 pages.

قدیر نصری

پژوهشگر ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

پس از جنگ عراق از جمله منابع بسیار جدیدی است که به تبیین این جنگ و تخمین پیامدهای آن پرداخته و این جنگ را به‌عنوان جنگی بی‌نظیر، پرماجرا و دارای عواقب متعدد اقتصادی، ژئوپلیتیک و سیاسی در سطح منطقه و جهان معرفی

مقدمه

جنگ آمریکا - انگلستان علیه عراق در سال ۲۰۰۳ از جمله رویدادهایی است که

کرده است. تدوین‌کننده این کتاب، فلدمن شای است که مجموعه مقالات را در دو بخش «ابعاد بین‌المللی جنگ عراق» و «ابعاد خاورمیانه‌ای جنگ عراق» تنظیم کرده است. آنچه در پی می‌خوانید مضمون مقالات آن اثر به‌همراه نقدهایی است که بر برخی مطالب آن می‌توان مطرح نمود.

#### ۱. ابعاد بین‌المللی جنگ عراق

بخش اول کتاب با عنوان «ابعاد بین‌المللی جنگ عراق» شامل هفت مقاله بسیار مهم است که به تبیین چرایی، چگونگی و پیامدهای جنگ عراق از منظری بین‌المللی می‌پردازد. اولین مقاله ایسن بخش به قلم مارک هلر نگاشته شده و به توضیح وجه بین‌المللی جنگ عراق اختصاص دارد.

هلر معتقد است که جنگ عراق، جنگی بود بسیار اساسی و پراثر؛ چرا که یک طرف آن آمریکا است؛ کشوری که بزرگ‌ترین اقتصاد بین‌المللی را داراست، از جمعیتی جوان و پرمصرف برخوردار است، بخش مهمی از فرهنگ جهانی را طراحی و ترویج می‌کند و معمولاً بیشترین اختراعات

جهان را به‌نام خود به ثبت می‌رساند (ص ۵). نویسنده در تشریح بیشتر قدرت آمریکا، این کشور را قدرتی بی‌نظیر (-Hyper Pow er) می‌نامد؛ چرا که حرکت‌های ساختاری آمریکا و سرمایه‌گذارهای راهبردی این کشور، هم‌تا ندارد؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به سطح و تنوع سرمایه‌گذاری آمریکا در نانو تکنولوژی اشاره نمود و سرمایه‌گذاری نظامی آمریکا که دو برابر بیش از کل کشورهای اتحادیه اروپاست یا میزان بودجه تحقیق و توسعه آمریکا که پنج برابر کل اتحادیه اروپا می‌باشد. نویسنده پس از آرایه این دیدگاه‌ها، ادعا می‌کند که آمریکا قدرتی در حدود امپراتوری روم و بریتانیاست، با این تمایز مهم که آمریکا حامی ارزش‌های دموکراتیک هم هست، در حالی که قدرتهای اخیر این‌گونه نبودند. (ص ۷).

به عقیده هلر، قدرت بی‌نظیر آمریکا مؤید یکه‌تازی این کشور نیست؛ چرا که تهدیدات بین‌المللی کنونی به‌گونه‌ای است که رفع آنها از عهده یک قدرت، هر چند هم که بسیار قدرتمند باشد، خارج است. وی

پیشنهاد می‌کند که آمریکا باید با استفاده از امکانات متحدان خود، هزینه مقابله را کاهش دهد. از قدرتهای مؤثری که در این زمینه می‌توانند به آمریکا کمک کنند، فرانسه است که بنا به پنج دلیل حساسیت زیادی به خاورمیانه و مسایل آن دارد؛ وابستگی شدید به انرژی منطقه، قرابت جغرافیایی، تسلط به قطبهای مصرف، اسکان بیشترین جمعیت عرب مسلمان در اروپا و داشتن تجربه و سابقه نفوذ بیشتر در خاورمیانه از دلایلی هستند که توجه آمریکا به فرانسه را ضروری می‌سازند (ص ۹). هلمر پس از ذکر توانمندیهای خاص قدرتهای غیرآمریکایی، اظهار می‌دارد که جهان شامل ساختار چندقطبی است، هر چند اصلی‌ترین قطب نظامی دنیا، آمریکاست. (ص ۱۸).

«سیاست دفاعی و خارجی بوش»

عنوان مقاله دوم کتاب است که توسط آبراهام بن زو (Abraham Ben-Zui) نوشته شده و ضمن تحلیل تاریخی سیاست خارجی آمریکا طی قرن بیستم، نشان می‌دهد که در تاریخ سیاست خارجی

آمریکا دستگاه سیاست خارجی این کشور، همواره از مردان قوی تهی بوده است و این ادعا را می‌توان به بازه زمانی دوران جمهوری ویلسون یا جرج واکر بوش تعمیم داد. بن زو مهم‌ترین نقص دستگاه سیاست خارجی آمریکا را شکاف بین نظر و عمل می‌داند و معتقد است که آمریکا در عمل خلاف آن چیزی را می‌کند که در تبلیغات اعلام می‌نماید. نویسنده این مقاله، شیوه هماهنگ‌سازی نظر و عمل در سیاست خارجی را ارایه نمی‌کند و هیچ مقطعی را نشان نمی‌دهد که بتوان به‌عنوان الگویی متناسب برای سیاست‌سازی مورد توجه قرار داد. علاوه بر این، نویسنده به سیاست دفاعی بوش نمی‌پردازد، فقط ادعا می‌کند سیاستهای وی در حوزه دفاع اشتباه بوده است. احتمالاً نویسنده، سیاست بازدارندگی و پیشگیری آمریکا را مدنظر دارد که در سپتامبر ۲۰۰۲ یعنی یک سال پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ اعلام گردید. مقاله زو با توضیح مختصر تأثیر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که در هشتمین ماه ریاست جمهوری بوش و حاکمیت نو محافظه‌کاران

صورت گرفت، پایان می‌یابد. (ص ۲۰).

«راهبرد بازدارندگی و پیشگیری» که در مقاله اخیر به آن اشاره شد، در سومین مقاله کتاب به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده یهودی این مقاله، یائیر ایورون (Yair Euron)، بازدارندگی و پیشگیری را دو رکن اساسی راهبرد امنیت ملی آمریکا می‌داند که در قالب راهبرد امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۲ از سوی بوش اعلام گردید. براساس، این راهبرد، آمریکایی‌ها قصد دارند از منافع امنیتی خود مراقبت بیشتری کنند و این منافع در قالب دو نکته اصلی قابل پی‌گیری است: ۱. منافع ملی آمریکا یعنی تمامیت ارضی، سلامت مردم و رفاه عمومی؛ ۲. مسئله تروریسم بین‌الملل که جنگ در مناطقی مانند افغانستان و عراق در این راستا قابل تحلیل است (ص ۲۸). ایورون معتقد است که حمله آمریکا به عراق در شرایطی صورت گرفت که کشورهای نظیر ایران و کره شمالی، در مقابل درخواستها و سیاستهای آمریکا مقاومت شدیدی می‌کردند، آمریکا عراق را مورد حمله قرار

داد تا علاوه بر قطع ارتباط مسئولان عراق با تروریستها، به دو کشور ایران و کره شمالی علامت لازم داده شود تا از تولید سلاحهای کشتار جمعی منصرف شوند. اظهارات ایورون در شرایطی است که حداقل ارتباط مسئولان عراق با تروریستها سازمان القاعده، مستند محکمه‌پسندی نیافته و از نرمش ملموس ایران و کره شمالی در قبال آمریکا نشانی در دست نیست.

ایورون در بخش پایانی مقاله خود، به صورتی دقیق و فارغ از کلی‌گویی، پیامدهای جنگ عراق را برمی‌شمارد. از دید وی، اساسی‌ترین دستاورد حمله عراق، خلاص شدن اسرائیل از گشوده شدن جبهه شرقی علیه این رژیم است (ص ۳۴).

با انهدام ماشین جنگی عراق و سرنگونی رهبر عمل‌گرایی مانند صدام حسین و حزب بعث، سکوی دفاعی اسرائیل در منطقه استوار شد؛ چرا که سایر کشورهای مشابه عراق، دیگر نمی‌توانند با دستیابی به سلاحهای غیرمتمعارف امنیت اسرائیل را در معرض خطر قرار دهند. پیامد مثبت دیگر ماجرای عراق برای اسرائیل این

است که با روی کار آمدن یک دولت نزدیک به آمریکا در عراق، جبهه یهودستیزان خاورمیانه به شدت تضعیف شده و اسرائیل از امنیت بیشتری برخوردار می‌شود (ص ۳۴). به نظر می‌رسد ایورون، بیش از حد لازم در پیش‌بینی اخیر خود خرسند و مصمم است. آن سوی ماجرای عراق، احساسات ضد اسرائیلی را هم همراه خود دارد و نمی‌توان سرنگونی صدام و حزب بعث را به حساب آمریکایی و اسرائیلی شدن مردم عراق عنوان کرد. اقبال اسرائیل از آن رو تأمین است که سایر کشورهای ضد اسرائیلی مانند سوریه و ایران، در دسر جدیدی به نام آمریکا پیدا کردند و این از دغدغه‌های اسرائیل تا حدودی خواهد کاست. اما این ادعا که اسرائیلی‌ها می‌توانند با گسیل آوارگان فلسطینی به عراق و احیای خط قرمز بین اسرائیل - عراق عمق راهبردی خود را گسترش بخشند، قدری خوش خیالی است.

امیلی لاندائو نویسنده چهارمین مقاله کتاب است که با نگرش انتقادی تمایلات یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در

خلع سلاح مخالفانش را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی پس از تبیین مفهوم بازدارندگی، از ظهور یک دوره مشابه دوران جنگ سرد یاد می‌کند؛ چرا که پیشگیری از ظهور فاجعه هسته‌ای، مشابه پیشگیری از بسط تروریسم تبلیغ می‌شد. پیشنهاد لاندائو به آمریکا این است که این کشور باید با تحت فشار قرار دادن دولتهای مظنون، خلع سلاح را در سطوح منطقه‌ای دنبال کند؛ یعنی نه امیدوار شدن به توصیه‌های اخلاقی سازمانهای بین‌المللی و نه مطمئن شدن به اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه، هیچ‌یک نخواهد توانست منطقه خاورمیانه و بقیه جهان را به سوی امنیت پایدار حرکت دهد. در پنجمین مقاله کتاب، ورام شویتزر (Yoram Schweitzer) به سنجش رابطه بین جنگ عراق و تروریسم بین‌الملل پرداخته است. شویتزر با لحنی ژورنالیستی و حماسی، ابتدا حادثه ۱۱ سپتامبر و کشته شدن ۳۰۰۰ نفر را توضیح می‌دهد، (ص ۴۵) سپس بر خورد خشن و جنگجویانه با تروریست‌ها را بررسی و نقد می‌کند. به عقیده شویتزر استدلال آمریکاییان مبنی

بر ارتباط رژیم بعث با ابونضال، ابوعباس، احمد جبریل، جرج حبش، وادی حداد، ابوابراهیم و ابوسالیم و نیز کمک عراق به خانواده‌های مبارزان عملیات انتحاری در فلسطین و در نتیجه حمله به عراق برای خاموش کردن اجاق تروریسم کافی نیست و حتی می‌توان گفت تلاش آمریکا برای اعمال زور، تروریست‌ها را عاصی‌تر خواهد کرد. اینکه عراق به خانواده شهدای فلسطینی ۱۰ تا ۲۵ هزار دلار کمک مالی کرده و مستحق حمله است، سبب می‌شود تا اقدامات تروریستی علیه آمریکا تشدید شود (ص ۴۸). بنا به استدلال شوپنزر، از ژانویه ۱۹۹۱ تا مارس همان سال حدود ۲۱۸ حمله تروریستی در جهان صورت گرفت که ۸۱ مورد آن علیه منافع آمریکا بود. یعنی جنگ دوم خلیج فارس حمله علیه منافع آمریکا را تشدید کرده بود (ص ۴۸). آمارهای شوپنزر به گفته خودش این ضرب‌المثل قدیمی را منسوخ می‌کند که «غرش توپها، خاطیان را بر سر جای خود می‌خکوب می‌کند». نویسنده این مقاله باید‌های پیش‌روی آمریکا را بررسی

نمی‌کند و فقط به نفی اقدامات آمریکا اکتفا می‌نماید. اما یک نکته مهم وجود دارد که حاکی از استواری مدعای شوپنزر است و آن اینکه به دلیل حجم و ماهیت گسترش یابنده ناامنی‌های مدرن، واقعاً مشی رئالیستی برای تامین صلح کفایت لازم را ندارد. ششمین مقاله را شاید بتوان مهم‌ترین و دقیق‌ترین مقاله این کتاب معرفی نمود. این مقاله به شرح «انقلاب در امور نظامی و عملیات در عراق» اختصاص دارد و توسط یک متخصص مسایل نظامی - راهبردی به نام اسحاق بن اسراییل تالیف شده است. بن اسراییل مانند بسیاری دیگر از تحلیل‌گران یهودی به پیامدهای مثبت جنگ علیه عراق اشاره نموده و آن را سبب تحکیم امنیت ملی اسراییل معرفی می‌کند. به نظر وی، مهم‌ترین فرق جنگ اخیر این بود که در آن آتش بر مانور پیروز شد؛ یعنی بر خلاف جنگهای کلاسیک که مانور و ادعا در آن بسیار مهم بود، در جنگ عراق آمریکایی‌ها بدون اینکه از تسلیحات خود سخن بگویند آتش انبوهی را بر عراق ریختند، در حالی که همواره از جنگ روانی

و پیروزی دموکراسی و به‌طور کلی ابعاد نرم‌افزاری جنگ سخن می‌رفت. اسحاق بن اسراییل پس از ادعای فوق به ذکر آمار و ارقامی می‌پردازد که اگر منابع آنها موثق باشد، قابل توجه است؛ به نقل وی تعداد نیروها و ادوات عراقی‌ها با آمریکایی‌ها قابل مقایسه نبود؛ یعنی عراقی‌ها در زمینه امکانات نظامی از موقعیت بهتری برخوردار بودند؛ چرا که عراق ۴۰۰ هزار رزمنده جنگ‌دیده داشت ولی آمریکا و انگلیس حداکثر ۲۳۰ هزار رزمنده ناآشنا گویاست:

جدول شماره ۱- میزان دقت مهمات هدایت‌شونده آمریکا در چهار جنگ اخیر (ص ۶۴)

منطقه نبرد	سال نبرد	تعداد هواپیماهای جنگی	طول جنگ (روز)	تعداد پرواز (سورتی)	تعداد بمب	میزان دقت مهمات استفاده شده (درصد)
خلیج فارس	۱۹۹۱	۱۸۵۰	۴۳	۱۲/۰۰۰	۲۶۵/۰۰۰	۸
کوزوو	۱۹۹۹	۱۰۰۰	۷۸	۳۸/۰۰۰	۲۳۰/۰۰۰	۳۵
افغانستان	۲۰۰۱	۵۰۰	۶۰	۲۹/۰۰۰	۲۲/۰۰۰	۵۶
عراق	۲۰۰۳	۷۳۰	۲۰	۳۶/۰۰۰	۲۹/۲۰۰	۶۸

به منطقه داشتند. تعداد تانک‌های عراقی ۲۴۰۰ دستگاه بود ولی نیروهای مخالف فقط ۵۰۰ دستگاه تانک به منطقه آوردند، عراق ۳۱۰ فروند هواپیما داشت و آمریکا ۶۵۰ فروند که با ۸۰ فروند هواپیمای استرالیایی - انگلیسی به ۷۳۰

اسحاق بن اسراییل ادعا می‌کند که مهم‌ترین پیام آمارهای اخیر «تحول پارادایم نبرد» است که به واسطه انقلاب در امور وسایل نظامی پدیدار شده است. به گفته وی، جنگ عراق بسیاری از رهنامه‌های امنیتی و نظامی کشورهای منطقه و جهان

را متحول خواهد کرد (ص ۷۱).

شاید جهانیان و به خصوص تحلیلگران مسایل نظامی - راهبردی کمترین تردید را در این نکته دارند که جنگهای خلیج فارس به دلیل تسلط بر منابع انرژی بوده است. این نکته مهم را سموئل ایون (Shamuel Even) در مقاله‌ای با عنوان «پیروزی در عراق و اقتصاد جهانی نفت» شرح و بررسی نموده است. این مقاله که به عقیده نگارنده از جمله مقالات بسیار مهم و مستند این مجموعه است، به زبان ریاضی توضیح داده است که آمریکایی‌ها حداکثر ۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز از خلیج فارس وارد می‌کنند که در سال ۲۰۰۴ به یک چهارم نفت مصرفی و یک پنجم نفت وارداتی آمریکا می‌رسد، اما هدف آمریکا کنترل بر صنعت و صادرات نفت است تا از این طریق ضمن تثبیت اقتصاد داخلی به تنبیه کشورهای ناهم‌سو بپردازد. ایون به شرکتهای عظیم نفتی اشاره می‌کند که بعضی از آنها (مانند هالیبرتون) ۸۵ هزار نفر کارگر و کارمند دارد و همه آنها در محل فعالیتهای مربوط به نفت اشتغال دارند.

نویسنده مقاله برای تبیین نقش مسئله عراق در معادلات انرژی جهان، آمارهای بسیار دقیق و جدیدی ارائه کرده است که نمونه‌هایی از آن در جدولهای شماره ۶ - ۲ آمده است.

آمار جدولهای ۶ - ۲ به خوبی نشان می‌دهند که آمریکا حداکثر ۲/۵ میلیون بشکه نفت از منطقه وارد چرخه مصرف سوختی می‌کند و حدود ۵ میلیون بشکه از نفت وارداتی آمریکا از کشورهای کانادا، ونزوئلا، مکزیک و بقیه کشورهای هم‌جوار تامین می‌شود. همه تلاشهای آمریکا بر این است که این ابرقدرت بتواند تولیدات نفتی منطقه و نیز احتیاج کشورهای رقیب به نفت منطقه را تحت کنترل داشته باشد. آمار جدول شماره ۷ اهمیت عراق در این مقاله را نشان می‌دهد.

آخرین مقاله بخش اول کتاب که به ابعاد بین‌المللی جنگ عراق نظر داشت با عنوان «عملیات نظامی و رسانه‌های جمعی» توسط دو تن از اساتید روزنامه‌نگاری و علوم اجتماعی یعنی هرش گودمن و جان اتان کامنگز نوشته شده است. نویسندگان این



مقاله پس از تشریح تاریخ مانور در جنگها، محدودیتهای رسانه‌ای در جنگ عراق را امری متعارف قلمداد کرده و ادعا می‌کنند که یکی از ابعاد بسیار مهم عملیات آمریکا - انگلیس در عراق، نقش بی‌نظیر رسانه‌ها در تعریف و تدارک نبرد بود. پنتاگون به‌طور رسمی از رسانه‌ها خواسته بود که اخبار خود را به‌صورت کنترل‌شده اعلام نمایند و از پخش هرگونه اخبار مخدوش و تحریک‌آمیز خودداری کنند (ص ۸۵). بنا به استدلال این مقاله، بیشتر مردم جهان اطلاعات خود را از منابع غیراینترنتی می‌گیرند؛ چرا که از کل جمعیت جهان فقط ۵۸۰ میلیون کاربر اینترنتی که کمتر از ۱۰/۸ درصد جمعیت کل جهان است و اغلب آنها در آمریکا و اروپا زندگی می‌کنند، به رسانه‌های غیراینترنتی به‌خصوص تلویزیون و ماهواره نیازی ندارند. از این رو می‌توان از این فرضیه دفاع کرد که بسیج دیدگاه شهروندان له یا علیه جنگ، مستلزم تدبیری جدی‌تر است.

۲. ابعاد خاورمیانه‌ای جنگ عراق  
بخش دوم کتاب حاضر به پیامدهای منطقه‌ای سرنگونی رژیم بعث در عراق اختصاص دارد. این بخش شامل پنج مقاله است که هر کدام از مسئله عراق و توابع منطقه‌ای آن را مورد بررسی و نقد قرار داده است. مهم‌ترین مقاله این بخش به قلم افریم کام (Ephraim Kam) نوشته شده و «پیامدهای منطقه‌ای جنگ عراق» عنوان دارد. کام مقاله خود را این‌گونه آغاز می‌کند که عراق اولین کشور عربی است که رژیم حاکم بر آن توسط یک قدرت خارجی سرنگون می‌شود. نویسنده بدون آنکه به نقش بریتانیا و فرانسه در تکوین، تفسیر و تداوم رژیمهای عربی منطقه پس از جنگ جهانی اول اشاره کند، می‌گوید: اکنون ماشین نظامی قوی‌ترین قدرت عربی توسط آمریکا درهم کوبیده شده است و آمریکا در صدد است تا عراقی میانه‌رو، پیشرفته، دموکراتیک و باثبات در منطقه تاسیس نماید (ص ۱۰۲). وی معتقد است که همه همسایگان عراق به‌خصوص ایران، ترکیه و سوریه از اوضاع عراق متاثر خواهند شد

که در این میان سهم ایران در تأثیرپذیری بسیار بیشتر از بقیه کشورهاست؛ چرا که ممکن است شهر نجف به عنوان پایگاه فکری شیعیان در عراق، در مقابل شهر مذهبی قم قد علم کند (ص ۱۱۱). همچنین از این پس شیعیان عرب در مقابل شیعیان ایران حرفهای متفاوتی خواهند داشت و مسئله کردستان و تقویت دولتهای میانه‌رو عرب، معادلات ایران را با تحولاتی قرین خواهد ساخت. شاید مهم‌ترین پیامد مثبت جنگ عراق برای ایران، رفع تهدید قدیمی ایران، به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و کاهش مسابقه تسلیحاتی در منطقه خواهد بود. علاوه بر ایران، سایر کشورهای منطقه از جمله سوریه، تحت تأثیر شدید ماجرای عراق قرار خواهند گرفت؛ چرا که احتمالاً موج استقلال‌خواهی، همه کشورهای منطقه را کلافه خواهد کرد. اما در این میان، اسرائیل از سرنگونی صدام مشعوف است؛ چرا که میانه‌روترین دولت عربی جایگزین رادیکال‌ترین دولت عربی شده است (ص ۱۱۳). «نقش تشدیدکننده یا دشوارکننده جنگ عراق بر فرایند صلح

اعراب - اسرائیل» عنوان مقاله گردآورنده این کتاب است که به نقل تاریخ صلح بین اعراب - اسرائیل و فراز و فرودهای آن پرداخته و چشم‌اندازهای آینده صلح در منطقه را بررسی کرده است. این مقاله بدون آنکه سخن تازه و ادعای موثقی را مطرح نماید، پایان می‌یابد.

سومین مقاله این بخش از کتاب به نقش سلاحهای کشتار جمعی عراق در شروع جنگ می‌پردازد و توسط افریم اسکولای (Ephraim Asculei) نوشته شده است. نکته جالب توجه در این مقاله، پیش‌بینیهای یکسره نادرست نویسنده است که مدعی شده سلاحهای کشتار جمعی مهم‌ترین عامل شروع جنگ بود و مهم‌ترین پیامد این جنگ تقلیل تولید سلاحهای کشتار جمعی خواهد بود. وی پس از شرح فعالیت‌های عراق در تولید و انباشت سلاحهای کشتار جمعی، درسهایی از این ماجرا را نقل می‌کند که امروزه با پیدا نشدن سلاح کشتار جمعی در عراق، اعتبار آن درسها بسیار محل سوال است.

«توازن راهبردی در خاورمیانه

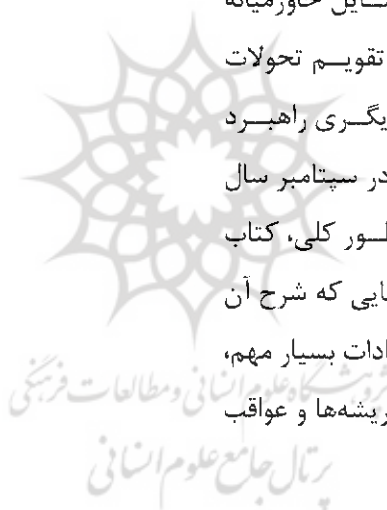
پس از جنگ عراق» عنوان مقاله چهارم از بخش دوم است که توسط شلومو برام (Shlomo Brom) در مورد آینده خاورمیانه در پرتو تحولات عراق، نوشته شده است. به عقیده نویسندگان، مسئله عراق این پیامدها را در پی خواهد داشت: ۱. ایران در شرق و اسرائیل در غرب خاورمیانه ابرقدرتهای منطقه خواهند شد؛ ۲. کشورهای کوچک منطقه از بیم تهدید ایران سالهای سال میزبان آمریکا خواهند ماند؛ ۳. عراق به دلیل اتصال با کشورهای عربی از یک سو و همسویی با کشورهای غربی از سوی دیگر به قطب توسعه یافته منطقه مبدل خواهد شد؛ ۴. با امضای پیمان دولتی بین عراق و اسرائیل، موتور خاموش صلح خاورمیانه روشن خواهد شد؛ ۵. اسرائیل پس از رفع نگرانی اش از جبهه عراق، حزب الله را تحت کنترل بیشتر قرار خواهد داد چون ایران هم در مسایل عراق درگیر خواهد شد؛ ۶. تهدیدات همزمان و همه جانبه اعراب علیه اسرائیل در غیاب عراق کاملاً خنثی خواهد گشت (ص ۱۴۱). شلومو آینده‌ای را برای منطقه پیش‌بینی می‌کند که عملی

و سازگار با همدیگر نیست؛ به عنوان نمونه، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که آیا تقویت قدرت ایران می‌تواند موجب تضعیف حزب الله در لبنان شود؟ و اینکه آیا تنها عامل رکود صلح خاورمیانه، حاکمیت صدام بر بغداد بود، مگر صدام حسین چقدر واقعاً با فرایند سازش مخالف بود؟

واپسین مقاله کتاب به اسرائیل اختصاص دارد و نگرش اسرائیلی‌ها به جنگ عراق را ارایه می‌کند. براساس استدلال نویسندگان، اسرائیلی‌ها بی‌صبرانه منتظر وقوع جنگ بودند. آنها حتی از این هراس نداشتند که اسرائیل تبدیل به منطقه جنگی شود؛ چرا که همه مردم اسرائیل آمدند و به صورت داوطلبانه ماسکهای ضد گازهای شیمیایی دریافت کردند تا از خطر حملات شیمیایی صدام مصون بمانند، اما شاهد سرنگونی صدام باشند. ۸۵ درصد عرب‌ها و ۹۶ درصد یهودی‌های ساکن اسرائیل به ماسکهای ضد گاز مجهز شدند تا یک جنگ عظیم و نتیجه مشخص آن را نظاره کنند. «سیاست دفاعی اسرائیل در سطح داخلی» مبحثی دیگر در این

مقاله است که به تلاشهای دولت اسرائیل در تثبیت بنیانهای داخلی امنیت اختصاص دارد و تهدیدات داخلی اسرائیل را بررسی می‌کند. این بخش از مقاله هیچ ارتباطی با جنگ عراق ندارد و حایز اسلوب و ارتباط منطقی نیست.

کتاب حاضر در کنار تمام امتیازاتی که ذکر شد، دو ضمیمه مهم هم دارد که می‌تواند یاور محققین مسایل خاورمیانه باشد؛ یکی از ضمایم به تقویم تحولات عراق اختصاص دارد و دیگری راهبرد امنیت ملی آمریکا است که در سپتامبر سال ۲۰۰۲ منتشر گردید. به‌طور کلی، کتاب حاضر به‌رغم برخی کاستی‌هایی که شرح آن گذشت، استدلالها و استنادات بسیار مهم، تازه و متناسبی در مورد ریشه‌ها و عواقب جنگ عراق دارد.



جدول شماره ۲- ذخایر نفتی دنیا

نام منطقه	میزان نفت (میلیارد بشکه)	درصد ذخیره جهانی
آمریکا	۳۰/۴	۲/۹
ونزوئلا	۷۷/۷	۷/۴
روسیه	۴۸/۶	۴/۶
عربستان سعودی	۲۶۱/۸	۲۴/۹
ایران	۸۹/۷	۸/۵
عراق	۱۱۲/۵	۱۰/۹
کویت	۹۶/۵	۹/۲
امارات متحده عربی	۹۷/۵	۹/۳
کل خلیج فارس	۶۸۵	۶۵/۳
کل جهان	۱۰۵۰	۱۰۰

جدول شماره ۳- میزان تولید و مصرف نفت در دنیا (درصد)

نام کشور یا منطقه	تولید	مصرف
آمریکای شمالی	۱۸/۳	۳۰/۴
اتحادیه اروپا	۹	۲۱/۷
آسیای شرقی	۱۰/۶	۲۷/۷
آمریکای جنوبی و مرکزی	۹/۹	۶/۲
جمهوری شوروی سابق	۱۱/۸	۴/۸
آفریقا	۱۰/۳	۳/۳
کشورهای خلیج فارس	۳۰	۵/۹
کل جهان	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۴- میزان مصرف نفت در جهان (میلیون بشکه)

میزان مصرف	۷۶/۹	۷۷/۵	۷۸	۸۰
سال	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴

جدول شماره ۵- میزان نفت تولیدی و وارداتی آمریکا (میلیون بشکه)

سال	۱۹۹۱	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
کل مصرف	۱۹/۹	۱۹/۶۵	۱۹/۶۸	۲۰/۲۲	۲۰/۶۶
واردات	۷/۸	۱۰/۹	۱۰/۵	۱۱/۱	۱۱/۵

جدول شماره ۶ - منابع تامین نفت وارداتی آمریکا

نام کشور	میزان نفت صادراتی به آمریکا (هزار بشکه در روز)	درصد از نفت وارداتی آمریکا	درصد میزان مصرف کل آمریکا
کانادا	۱/۹۱۱	۱۶/۹	۹/۷
عربستان سعودی	۱/۵۲۷	۱۳/۵	۷/۸
مکزیک	۱/۵۰۴	۱۳/۳	۷/۷
ونزوئلا	۱/۴۲۳	۱۳/۶	۷/۳
نیجریه	۵۹۱	۵/۲	۳
بریتانیا	۴۵۶	۴/۱	۲/۴
عراق	۳۹۱	۳/۵	۲
نروژ	۴۶۵	۴	۲/۳
بقیه کشورها	۳/۰۵۱	۲۶/۹	۱۵/۵
جمع کل	۱۱/۳۱۸	۱۰۰	۵۷/۷

جدول شماره ۷- میزان تولیدات نفتی عراق (ص ۸۲)  
(میلیون بشکه در روز)

سال	۱۹۷۹	۱۹۸۷	۱۹۹۹	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
میزان تولید	۳/۴۷	۲/۳۵	۲/۷	۳/۸	۴/۲	۴/۵	۵